از تصانیف شاه اہل الله برادر شاه ولی الله رحمہما الله نسخہ نایاب مسمی بہ
چہار باب
بفرمایش تاجران کتب ... فقیر الله و عبد العزیز باہتمام الله داد عرف ... مہتمم مطبع
در مطبع محمدی واقع لاہور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و الصلوة و السلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه اجمعین اما بعد
این رساله ایست مشتمل بر چهار باب **باب اول** در بیان عقائد یکه بر هر مسلمان دانستن
آن لازم است **باب دوم** در بیان آنچه عمل کردن آن فرض یا واجب یا سنت
یا مستحب است چنانچه احکام نماز و روزه و حج و زکوة و غیر ذلک **باب سوم**
در بیان فضائل اعمال که اکمال اسلام بدان تعلق دارد **باب چهارم** در بیان بعضی
از نصایح و حکم عامه که مردمان را نافع باشد **باب اول در بیان عقائد اهل
سنت و جماعت** **عقیده** باید دانست که عالم بجمیع اجزای خویش
حادث و نو پیدا است یعنی نبود بعد از آن پیدا شد و هر پیدا شونده را پیدا کننده
لازم است و پیدا کننده عالم الله تعالی است که بیچون و بیچگون و بی [illegible] است و
بی نمون نه جسم است نه جوهر نه عارض است نه عرض نه معدود است نه محدود و نه جزو است
نه کل نه در جهت است نه در مکان نه او را کسی نظیر است نه معین و نه [illegible] او صمد است نه جدا
و پاکیزه است از جمیع سمات نقص و زوال متصف و موصوف است بجمیع صفات کمال
عقیده اوصاف او نه عین ذات اند نه غیر ذات ازلیست بغیر ابتدا ابدی است
بغیر انتها زنده است که هرگز نمیرد شنوا است نه از راه گوش بینا است نه بوساطت

ہاست نہ بحیلۂ زبان و دانا است بہمہ اشیا توانا است بر ہمہ چیز ہا ہر چہ میکند

بلند ہر کرا میدہد او میدہد رَازِقُ الْعِبَادِ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ

لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ **عقیدہ** کلام او سبحانہ نہ از جنس حرفست نہ صوت قدیم است قایم

بذات او و قران خلق و ایجاد او زانیست قران مجید کہ کلام اوست ہم قایم باوست این

الفاظ و خطوط دلالت بران میکنند **عقیدہ** جملہ افعال بندگان چہ نیک و چہ بد از

خلق و ایجاد او سبحانہ تعالی ہست و کسب بندگان از فعل نیک راضی است از بد نا راضی

جزا کار نیک و سزا کار بد منوط بر قدرت کسب است **عقیدہ** انبیا صلوٰۃ اللہ و سلامہ

علیہم بندگانند کہ او سبحانہ تعالی بہ تبلیغ احکام خود بطرف عباد خویش فرستادہ

تا اوامر و نواہی او را بایشان ابلاغ نمایند و خرق عادت ایشان معجزات اند

دلائل بر صحت نبوۃ اول جملہ انبیا آدم است علیہ السلام و آخر ہمہ محمد صلی اللہ علیہ و آلہ

وسلم و درمیان ہر دو بسیار پیغمبران بودہ اند بعضی افضل از بعضی تِلْكَ الرُّسُلُ

فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ برگزیدہ تر از ہمہ محمد است صلی اللہ علیہ وسلم

عقیدہ ملائک بندگان حق سبحانہ و تعالی ہستند مجرد و نورانی نہ متصف

بذکورت نہ بانوثت ہرگز نافرمانی حکم وی نکنند لَا يَعْصُونَ اللّٰهَ مَا أَمَرَهُمْ

وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ **عقیدہ** چندین کتب کہ او سبحانہ تعالی بر رسل

خود فرستادہ حق است و راست چنانچہ توریت بر موسیٰ و انجیل بر عیسیٰ و زبور

بر داؤد و صحف بر ابراہیم و غیرہ و قران مجید بر محمد صلی اللہ علیہ وسلم و قران مجید

ناسخ احکام جملہ کتابہاست **عقیدہ** روز قیامت

در اعمال است نه در اصل ایمان **عقیده** کبائر در اکثر اقوال دوازده اند اول شریک
آوردن با حق سبحانه تعالی غیر ویرا خواه در الوهیت خواه در وجوب وجود خواه در
استحقاق عبادت دوم قتل نفس بغیر موجب آن سیوم زن صالحه را دشنام
بزنا دادن چهارم زنا کردن پنجم روز جنگ از کافران گریختن ششم جادو کردن
هفتم مال یتیم را خوردن هشتم مادر و پدر را رنجانیدن نهم گناه در حرم کردن دهم ربا
خوردن یازدهم دزدی کردن دوازدهم شراب خوردن و قمار باختن نیز از گناه کبیره
است **عقیده** آنچه اصلح بحال بندگانست بر حضرت حق سبحانه فعل آن لازم
نیست و الا هیچکس را در کفر و فسق نمیداشتی و دل هر کس را بر فعل نیک بگماشتی **عقیده**
جاودان در دوزخ نماند مگر کافران و مسلمانان را بحسب اعمال سیاست کنند آخر
در بهشت در آرند **عقیده** انبیا و اولیا و صلحا و اتقیای مومنان دوزخیان را شفاعت
کنند الله تعالی بفضل عمیم خویش شفاعت ایشانرا قبول فرماید **عقیده** افضل الناس
بعد محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم ابو بکر صدیق است بعد از آن عمر فاروق بعد عثمان ذی
النورین بعد از آن علی مرتضی رضی الله عنهم و رضوا عنه و خلافت هم برین ترتیب
است **عقیده** خلافت تا سی سال است که خلفا از بعد کردند بعد از آن مملکت و
پادشاهی است **عقیده** ده کس را بهشتی علی سبیل الیقین باید شمرد که حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله وسلم بدخول ایشان در بهشت بشارت داده اند
و آن ابو بکر صدیق و عمر فاروق و عثمان ذی النورین و علی مرتضی و طلحه و زبیر
و عبد الرحمن بن عوف و سعد بن ابی وقاص و سعید بن زید و ابو عبیده بن الجراح
اند و همچنین فاطمه زهرا و حسن و حسین رضی الله تعالی عنهم و عنهما را

نیز بهشتی باید دانست عقیده در حق اصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم و رضی الله
عنهم زبان را بجز کلمة الخیر نباید کشود که حب ایشان حب رسول صلی الله علیه وسلم است و بغض
ایشان بغض رسول است تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ
وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ
زهی حماقت فرقه های ضاله که سبّ اصحاب و لعن احباب را کیش خود قرار داده امید
اجر جزیل میباشند و عداوت احبای رسول را موجب ثواب جمیل میباشند عقیده
کرامات اولیا و خرق عادات اصفیا چنانچه طی زمین و زمان حق است و درست
که کرامات ولی در معنی معجزه نبی است که او در پی او است اما هیچ ولی بدرجه نبی نمیرسد
عقیده هیچکس را مادامیکه عاقل و بالغ و توانا است بدان پایه نمیرسد که احکام
شرع از وی ساقط گردند عقیده مردمان را پادشاه لازم است که قریشی نسب
باشد و عالم بعلوم دین و ضابط غالب و منصف تا اجرای احکام شرع نماید و بودن او برگزیده
از اهل زمان خود شرط نیست و از جور و فسق منعزل از سلطنت نگردد عقیده اقتدا در نماز
بهر نیک و بد شاید کردن و نماز جنازه بر هر صالح و طالح باید گذاردن عقیده رد نصوص
قطعیه حلال دانستن و سبک پنداشتن گناهی خواه کبیره باشد خواه صغیره و اهانت و استهزا
شریعت و مایوس شدن از رحمت پروردگار و مامون بودن از قهر جبار و تصدیق کاهن در
اخبار غیب جمله را موجب کفر و ضلال باید شمردن عقیده بعد مردن مردگان را از
زندگان نفع و ثواب میرسد اگر صدقه برای ایشان دهند و دعا و تسبیح و تهلیل از برای ایشان
کنند عقیده الله تعالی دعا و عبادت را قبول میفرماید و حاجت محتاجان را روا مینماید

باب دوم در ذکر مسائل ضروریه

فصل چنانچه وضو و نماز و صوم و زکوة و حج و غیر ذلک باید دانست که بنای اسلام بر پنج چیز
است اول گواهی دادن بآنکه نیست هیچ معبودی بحق مگر الله تعالی و محمد صلی الله علیه و سلم
بتحقیق فرستاده و پیغامبر اوست دوم برپا داشتن نماز پنجگانه سیوم داشتن روزه ماه رمضان
چهارم دادن زکوة از مال خود پنجم حج کردن خانه کعبه اگر از طرف زاد و راحله توانائی آن باشد
از انجا که نماز موقوف بر طهارت است شروع از مسائل طهارت کرده شد مسئله
فرائض وضو شستن روی است از رستنگاه موی پیشانی تا زیر زنخ و از
نرمه گوش تا نرمه گوش دیگر و شستن هر دو دست تا آرنج و مسح کردن ربع سر و شستن هر دو
پای تا شتالنگ و کسانیکه ریش گنجان داشته باشند مسح ربع ریش از فرض شمارند مسئله
سنن وضو شستن هر دو دست تا بند دست بعد خواندن تسمیه و مسواک
کردن و آب در دهان و بینی کردن و خلال ریش و انگشتان دست و پا کردن
و هر عضو را سه بار شستن و وقت شروع نیت وضو کردن و تمام سر را یکبار
و هر دو گوش را از آب بقیه سر مسح کردن و ترتیب اعضا را نگاه داشتن و پی در پی
شستن مسئله مستحبات وضو [illegible] اعضا از سوی راست شروع کردن
و مسح نمودن گردن نواقض وضو بر آمدن نجاست است از بدن متوضی
خواه از راه سبیلین باشد خواه غیر آن چنانچه بول و غائط و باد و خون و ریم
و زرد آب و قی که پری دهن بود خواه تلخه بود خواه خون بسته طعام باشد خواه آب
سوای بلغم که وضو از قی بلغم صرف نمیشکند و خواب تکیه داده بوضعی که اگر آن تکیه را زائل
سازند خوابنده بافتد و بیهوشی و جنون و مستی و قهقهه مصلی بالغ که هم نماز شکسته باشد و
هم وضو و مباشرت فاحشه که عبارة از مساس فرج مرد با فرج زن است بغیر حاجب مسئله فرائض

مسئله غسل آب در دهان و در بینی کردن و به تمام ظاهر بدن خود روان نمودن
سنن غسل اول هر دو دست و فرج و هر نجاستی که بر ظاهر بدن باشد بشوید بعد از آن
وضو سازد مگر پای خود را که بعد از غسل شوید پس سه بار به تمام بدن آب روان نماید
اگر هیچ موی سر زن تر شود حاجت بکشادن موی بافته نافته مسئله موجبات غسل آمدن آب
منی جهنده است که بالذت بود اما شرط جهندگی و شهوت در وقت جدا شدن از مقام
خود معتبر است گو که در زمان بر آمدن از سر قضیب این شرط مفقود گردد و لیکن غسل واجب
نشود الا بوقت خروج و دخول سر ذکر در قبل یا دبر که بر طرفین غسل فرض گردد و انقطاع
خون حیض و نفاس نه خروج مذی که عند الملاعبت بر می آید همچنین ودی که آب سفید بعد
بول ظاهر گردد و همین حکم دارد خواب احتلام که در آن منی بر نیاید و داغ بر جامه نماید
که موجب غسل نمیشود مسئله غسل مسنونست برای جمعه و عیدین و احرام و روز عرفه
مسئله غسل واجب است میت را و کسی را که نو اسلام آورده باشد در
حالت کفر جنابت داشته باشد و اگر جنابت نداشته باشد در ینصورت غسل وی مستحب است
مسئله تیمم که عبارت از زدن هر دو کف دست بر خاک پاک ست یا چیزیکه از جنس زمین
باشد یعنی نسوزد و نگدازد هر چند که غبار نداشته باشد به نیت تیمم و مالیدن آنها بر روی خود
از رستگاه موی پیشانی تا زیر زنخ و از نرمه گوش تا دیگر و بار دیگر زدن و مسح هر دو دست
تا آرنج کردن قایم میشود مقام وضو اگر نیت آن باشد و مقام غسل اگر نیت آن کند
هر کسی را که دور باشد از آب بقدر یک میل که عبارت از چهار هزار ذراع است و هر ذراع بست
چهار انگشت و یا آنکه در نباشد بر استعمال آب بسبب مرض که دارد و یا خوف پیدا
شدن مرض باشد یا سرمای مهلک یا خوف عدو و یا درنده

یا تشنگی که آب دیگر برای نوشیدن ندارد یا نبودن دلو و رسن گو که در چاه آب موجود است
از ترس سبع یا امثال آن قدرت به استعمال آب مفقود گردد تیمم جائز میشود و صحیح ست از یک
تیمم دو فرض یا زیاده گذاردن و جائزست تیمم پیش از وقت نماز گذاردن مسئله
بشکند تیمم را هر چه بشکند وضو را و دیگر یافتن آب و قادر شدن به استعمال آن و رفع عذری
که بجهت آن تیمم کرده بود مسئله مسح موزه جائزست اگر پوشیده باشد بر طهارتی که کامل
بود وقت حدث گو که در زمان پوشیدن موزه طهارت کامل نباشد چنانچه کسی تنها
پایها شسته موزه پوشید بعد از آن وضو را تمام کرد و طهارت مسح موزه قایم است
مسح در حدث نه در جنابت و حیض و نفاس که موجبات غسل اند مسافر
را تا سه شبانروز و مقیم را یکشبانروز از وقت حدثی که بعد پوشیدن موزه عارض
شده باشد مسئله طریق مسح موزه آنست که دست را تر کرده از انگشتان پا
تا ساق خطوط بکشند و پاره بودن موزه بقدر سه انگشت خورد پا مانع است
جواز مسح را مسئله مسح را شکننده وضو و برآمدن اکثر قدم از موزه و گذشتن مدت
مسح و جائزست مسح بر جبیره و عصابه و تعیین مدت آن و شرط طهارت عضو در اینجا نکرده
اند مسئله اقل ایام حیض سه شبانروزست و اکثر آن ده روز و اقل مدت نفاس که
بعد ولادت میشود حدی نیست یعنی گاه بیش از یکساعت و یک لحظه نمیباشد و
اکثر مدت آن چهل روزست و پاکی که در میان روزها ست خونست و در حکم خون
است مانند حیض و نفاس نماز و روزه و دخول مسجد و طواف کعبه و قرآن خواندن و مصحف
دست زدن را منع میکنند حائضه و نفساء روزه قضا دارند و نماز معفوست و خونیکه غیر حیض
و نفاس ست استحاضه گویند و آن حکم رعاف دارد و هیچ چیز را منع نمی کند

در وقت نماز وضو سازد و نماز گذارد گو که خون روان باشد و از برآمدن وقت وضو
میشکند مسئله پاک میشود بدن و جامه از آب و هرچه بدان ماند چنانچه سرکه و گلاب و قدر
یک درهم که کف دست باشد عفو است از نجاست غلیظه مثل بول و غائط آدمی و خون و
خمر و پیخال مرغ و بول جانوراینکه خورده نمیشود و گوشت آنها و سرگین گاو و اسپ
و بقدر ربع جامه که عبارت از بالشت در بالشت است عفو است از نجاست خفیفه مثل
بول جانوراینکه گوشت آنها خورده میشود و بول اسپ و پیخال پرنده که ماکول نیست لحم شان
و خون ماهی و لعاب خر و استر و بولیکه بقدر سر سوزن قطرات آن بر جامه افتد نجاست نمی
پاک میگردد و بزوال جسمی و عینی و از شستن سه بار مسئله جایز است غسل و وضو از
آب باران و آب چشمه و آب دریا اگرچه تغیر داده باشد چیزی پاک احد اوصاف ویرا
که رنگ و بوی و مزه است و آب نجس میشود از وقوع نجس اگر جاری یا ده در ده
که در حکم جاریست نباشد مسئله آب چاهی که دران نجاست افتد تمام باید کشید
و همچنین بمردن جانوری مثل آدمی و سگ و بز و میش و آماسیدن و پاره
شدن آن هرچند که جانور خورد باشد و اگر آماسیده و پاره نشده باشد پس از موت
مثل موش و گنجشک بیست دلو کشیده و بمثل مرغ و کبوتر و گربه چهل مسئله وقت
نماز فجر از صبح صادق است تا طلوع آفتاب و وقت ظهر از زوال آفتاب تا رسیدن
سایه هرچیز دو چندان سوای سایه اصلی و عصر از آخر ظهر تا بغروب و مغرب از غروب تا زوال
شفق که سفیدیست بعد سرخی و عشا و وتر از زوال شفق تا صبح صادق و وتر را بر
عشا تقدیم نمایند و نماز و سجده تلاوت ممنوع است در عین وقت طلوع و استوا و
غروب مگر نماز عصر آن روز که عند الغروب هم جایز است مسئله اذان دادن و تکبیر گفتن

سنت است برای نماز فرض بر مردان **مسئله** شرط نماز چند چیز است اول طهارت

بدن مصلی از نجاست و حدث دوم پاکی جامه سوم پاکی مکان چهارم ستر عورت

که مرد را از ناف تا زانو است و همچنین کنیزک را که حکم مردان دارد مگر پشت و شکم او که ستر

آن نیز فرض و زن حره را تمام بدن عورت است مگر روی و هر دو کف دست و قدم پنجم

نیت نماز متصل آن ششم توجه جانب قبله **مسئله** فرائض نماز چند چیز است اول تحریمه

که عبارت از تکبیر اولی است دوم قیام سوم قرائت قرآن چهارم رکوع پنجم سجود ششم قعده

اخیره بقدر تشهد هفتم برآمدن مصلی از نماز خود بفعل خویش **مسئله** واجبات نماز خواندن

الحمد است و ضم سوره کردن بدان و تعیین قراءة در دو رکعت اول و مرعی داشتن

ترتیب در افعالیکه مکرر میشوند در یک رکعت مثل سجده و تعدیل ارکان نماز و قعده اولی

و تشهد خواندن در هر دو قعده و برآمدن از نماز بلفظ سلام و دعاء قنوت در وتر و تکبیرات

عیدین و بلند خواندن در نماز صبح و مغرب و عشا و پست خواندن در نماز ظهر و عصر **مسئله**

سنن نماز رفع یدین است برای تکبیر تحریمه و کشاده داشتن انگشتان دست نزدیک آن و بلند

گفتن تکبیر امام را و ثنا و تعوذ و تسمیه و آمین خفیه گفتن و دست راست بر چپ زیر ناف داشتن

و تکبیر وقت فرو رفتن در رکوع و تسبیحات در میان آن سه بار گفتن و هر دو زانو را بهر دو دست

با کشادگی انگشتان گرفتن و وقت برخاستن از آن سمع الله لمن حمده گفتن امام را و ربنا

لک الحمد گفتن مقتدی را و تکبیر سجود و تسبیحات در آن سه بار گفتن و هر دو دست و هر دو زانو

را در سجده بر زمین داشتن و در قعده پای راست را ایستاده کردن و پای چپ

گستردن و در میان رکوع و سجود قومه و بین السجدتین جلسه کردن و بعد تشهد درود

بر نبی صلی الله علیه و آله و سلم فرستادن و دعا در حق خود و والدین خود

پنجم را بسجده ضم نکرده است بنشیند و نماز تمام کند و سجده سهو ادا نماید و اگر رکعت پنجم را
بسجده مقید کرد باید که یک رکعت دیگر کند و این شش رکعت جمله نفل گردند مسئله
مریض که متعذر باشد قیام او را یا خوف زیادتی بیماری باشد نشسته نماز گزارد و اگر
نشسته گزاردن هم دشوار گردد بر پشت یا بر پهلو غلطیده اشارت نماید سجده
تلاوت قرآن واجب میشود بخواندن یا شنیدن یکی از چهارده آیت سجده
و اگر یک آیت را تکرار کند و مجلس متحد باشد لازم نمی آید مگر سجده واحده مسئله
در ایام سفر که راه سه روزه باشد بسیر متوسط نماز چهارگانه را دوگانه خواند و نیت اقا…
کم از پانزده روز در حکم سفر است مسئله نماز جمعه واجب می گردد بدل ظهر بشرط
حریت و اقامت و صحت و ذکوره و سلامتی چشم و پای و جایز نیست ادای جمعه
مگر در شهر و یا در گرد شهر و پادشاه و یا نایب او حاضر باشد و وقت
ظهر بود و خطبه پیش نماز خواند و در مسجد اذن عام دهد و مقتدیان کم از سه کس نباشند
که بغیر ازین شروط ادای جمعه روا نباشد مسئله نماز عیدین واجب است بر
کسیکه واجب میشود بر وی نماز جمعه بجمیع شروط آن سوای خطبه بگذارد دو ر…
نماز در رکعت اول تکبیرات زواید بعد ثنا بگوید و در رکعت ثانی بعد از قرات سوره
و بعد از فراغ نماز خطبه گوید مشتمل بر احکام صدقه فطر و قربانی و تکبیر است ایام
تشریق واجب است بعد از فجر روز عرفه تا هشت نماز عصر روز عید باشد بر مرد
بشرط اقامت و شهریت و جماعت بعد هر نماز فرض مسئله در وقت کسوف
آفتاب دو رکعت بجماعت گزارند و در خسوف و ظلمت و باد تند و خوف…
جماعت دعا کنند عقب آن تا زوال حادثه مسئله برای استسقا در صحرا…

کہ ہیچ وحی در انجا حاضر نباشد بغیر جماعت نماز گذارند و استغفار نمایند و دعا طلبند

مسئله در وقت غلبهٔ خوف دشمن یا درنده مقتدیان دو گروه شوند یک طائفه
مقابل دشمن بایستد و طائفهٔ ثانیه نصف نماز با امام گذارند و ایشان مقابل دشمن روند و
کسانیکه مقابل دشمن بودند نصف نماز با امام سابق ادا نمایند پس امام فارغ شود
و فرقهٔ اول نماز بقیه خود را تمام کند و فرقهٔ ثانیه پیش دشمن ایستاده باشد بعد ازین ایشان
مقابل دشمن شوند و طائفه اخری نماز بقیه خود را تمام گردانند و در صلوة مغرب باید که
با فرقهٔ اول دو رکعت کند و با فرقهٔ ثانیه یک رکعت

مسئله نماز جنازه فرض کفایت
است که از ادای یک کس ساقط میشود از جمله و اگر هیچکس ادا نکند همه بزه کار میشوند
و آن چهار تکبیر اند بعد اول ثنا خواند و بعد ثانی درود گوید و بعد ثالث دعا و استغفار
برای خود و برای میت و جمیع مسلمین و مسلمات خواند و بعد رابعه دو طرف سلام دهد
و اگر میت صبی باشد اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا وَّاجْعَلْهُ لَنَا اَجْرًا وَّذُخْرًا
وَّاجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا وَّمُشَفَّعًا نیز گوید

مسئله طریقه دفن و کفن سنت که چون
مریض قریب مرگ شود رویش سوی قبله کنند و بر پهلوی راست غلطانند و کلمه شهادت تلقین
کنند چون روح او قبض شود دهان و چشمان او ببندند و بر تخته غسل نهند و بر سینه فشارند و قدر عورة او
پوشند و وضو کنانند بغیر مضمضه و استنشاق و آبی که دران برگ کنار یا مثل آن جوشانیده
باشند بر سرش ریزند و سر و ریش بگل خیر و بشویند و بر پهلوی چپ غلطانند و آب از جانب
راست ریزند بعده بر پهلوی راست غلطانند و آب از جانب چپ ریزند پس بنشانند و شکمش
نرم نرم مالند آنچه از راه براز برآید پاک سازند و از پارچه دیگر طراوة بدن او را
خشک گردانند پس در کفن در آرند سنت کفن مردان را ازار است

مسئله روزه که عبارت از ترک خوردن و آشامیدن و جماع کردنست با نیت
آن از وقت صبح صادق تا غروب آفتاب فرض میگردد و بدیدن ماه رمضان یا گذشتن
سی روز ماه شعبان و روزه ماه رمضان که فرض است و روزه نذر معین که واجب است و روزه
نفل ادا میشود به نیت از شب تا قبل نصف روز و سوای این روزه ها مانند قضا و کفاره
و نذر غیر معین ادا نمیشود مگر به نیت شب مسئله اگر صائم بفراموشی بخورد یا بنوشد یا جماع
کند یا خون کشد یا روغن بمالد یا در حلق وی غباری در آید و یا مگس یا پشه بحلقش در رود
روزه نمیشکند اگر دانسته بخورد یا بنوشد یا جماع کند قضا کند و کفاره دهد که آزاد کردن یک
بنده است یا روزه داشتن دو ماه پی در پی یا خورانیدن شصت مسکین است اگر خود بخود
قی کرد یا چیزی از قی فرو برد یا سنگریزه و امثال آن بخورد قضا نماید و کفاره ندهد و
همچنین اگر حقنه یا سعوط نماید یا در گوش دوا اندازد مسئله مسافر و مریض و حامله
مرضعه که بر بچه خود بترسد افطار نمایند و قضا کنند و شیخ فانی افطار نماید و هر روزه مسکینی
بخوراند و اگر سحر بخورد بگمان شب و صبح صادق طلوع کرده باشد یا افطار کند بگمان روز و روز
باقی باشد قضا کند و کفاره لازم نیاید و در پنج روز که دو روز هر دو عید و سه روز تشریق باشد
روزه داشتن ممنوع است مسئله اعتکاف سنت است در مسجد با صوم و نیت اعتکاف
و اقل آن یکساعت است و زن باید که مسجد خانه خود بنشیند و بیرون نیاید از اعتکاف مگر
بضرورت بول یا برای نماز جمعه و اگر بغیر ضرورت برآید یا وطی یا دواعی آن کند اعتکاف
فاسد شود مسئله حج خانه کعبه فرض است بشرط حریت و بلوغ و عقل و اسلام و
صحت و زاد و راحله و وقت رفتن و آمدن نفقه کسانی که واجب است بر وی
نفقه آنها تا مدت رجوع و امن طریق یا زوج یا محرم زنی را که مسافر

باشد و فرائض حج احرام است و ایستادن بعرفات و طواف زیارت و واجبات آن
سعی در میان صفا و مروه و وقوف بمزدلفه و رمی جمار و سر تراشیدن و طواف صدر کردن
و سنن آن طواف قدوم و رمل کردن در طواف و سعی کردن در میلین و شب منا
کردن در ایام نحر و از منا بسوی عرفات رفتن بعد طلوع آفتاب و از مزدلفه بمنا رفتن پیش
از طلوع آن و شب ... و لغو باندن و ترتیب در رمی جمار نگهداشتن و هو سنت احرام
... ست و ذات عرق و جحفه و قرن و یلملم مسئله قران افضل است بعد از ان تمتع بعد
از ان افراد و قران آنست که احرام کند بنیت حج و عمره و طواف و سعی کند برای عمره بعد
از ان حج گذارد و تمتع آنست که احرام بعمره کند از میقات پس طواف و سعی کرده
حلق نماید و از احرام خود برآید و بروز ترویه که عبارت از روز هشتم باشد از حرم احرام حج
بندد و افراد آنست که تنها حج گذارد بغیر عمره چون تفصیل احکام حج و تصویر آن موجب
طویل رساله میگردد و باعث درازی نسخه میشود اکتفا بهمین مقدار افتاد که تعلیم معلمان
در ایام حج و اجتماع جم غفیر در آن فعل مانع است از انکه خطا و خلل و ضلال در آن افتد
مسئله واجبات دین دو آن چند چیز است نفقه ذوی رحم محرم و صدقه عید الفطر
قربانی و خدمت والدین و خدمت زوج زوجه را و عمره ادا کردن و لفظ الله شنیده
تعظیم نمودن و لفظ محمد شنیده درود فرستادن و جواب سلام و جواب عطسه فرض کفایه است
شمردن باب سوم در فضائل بعضی اعمال که بوده ان یقینی
است فضیلت باید دانست که هیچ عملی در اسلام بعد تصحیح ایمان
ضرورتر و لازم تر از نماز نیست که در حق آن حافظوا علی الصلوات والصلوة الوسطی
وقوموا لله قانتین یعنی محافظت بکنید بر نمازها و بر نماز عصر و استاده شوید

ور نماز برای خدا خشوع کننده وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلٰوةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا
وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ
يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ يعنی حکم کن اہل خود را برای نماز و صبر کن بران و قایم کن
نماز را دو طرف روز و اندک از شب بدرستیکه دور میکنند آن حسنات بدیہا را و دیگر حضور
خیر قیست و سرور کائنات و اشرف موجودات فرموده که فرق درمیان مسلمین و کفار نماز است
ہر کہ ترک کند نماز را داخل شود در حکم کافر دیگر فرموده ہر کہ محافظت کند بر نماز باشد روز قیامت
او را نور و نجات و دلیل بر ایمان و ہر کہ محافظت نکند بر نماز نباشد او را نور و نہ نجات و نہ دلیل
بر ایمان و باشد او ہمراه فرعون و شداد و قارون و ابی بن خلف لعنہما اللہ علیہم اجمعین
و دیگر فرموده ہر بنده مسلم که نماز گزارد و ریشوند از وی جمیع گناہان وی مانند برگ خشک
درختان میریزد و نیز فرموده است که نماز پنجگانه مثل نہریست که جاری باشد بر در وازه
یکی از شما غسل کند در وی ہر روز پنج بار باقی نماند بر جسد وی ہیچ کثافت و چرک
ہمچنین است نماز پنجگانه دور میشود جمیع گناہان او دیگر فرموده اند ہرگز ترک مکن
فرض را اگرچه پاره پاره کرده شوی و سوخته گردی و ہر که ترک کند بر آئینه بری آید از ذمه
پروردگار تعالی دیگر فرموده نماز پنجگانه دور میکند گناہان را که درمیان واقع شده
باشد پس لازم است بر ہر مسلمان که محافظت تمام نماید بر صلوات خمسه تا باشد که از عذاب
الیم و ہول جہنم خلاص شود و بدرجات عالیات بہشت مشرف گردد

فضیلت

روزه داشتن ماه رمضان فرض عین است بر ہر مسلمان که آیه کریمه نازل است کُتِبَ
عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ
فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ

[illegible]

درشان آن واقع شده و سرور انبیا صلوٰة الله علیه فرموده هر که روزه ماه رمضان برای الله سبحانه و تعالی دارد بخشیده شود همه گناهان پیشین وی و هر که تراویح گذارد در ماه رمضان آمرزیده شود تمام ذنوب سابق وی و فرموده که روزه داشتن سپر و پناه است از آتش دوزخ **فضیلت** زکوٰة دادن مال فرض است بر هر آدمی او سبحانه جل شانه میفرماید وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ و دیگر میفرماید وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنتُمْ تَكْنِزُونَ و رسول صلی الله علیه و آله و سلم میفرماید که صدقه دادن دفع میکند غضب الله تعالی را **فضیلت** حج خانه کعبه فرض است بر هر مسلمان در تمام عمر خود یکبار بشرط استطاعت که حق جل شانه میفرماید وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا و سرور دین سید الانبیا و المرسلین صلی الله علیه و سلم فرموده هر که حج گزارد و فسق و فجور نکند و فحش نگوید باز گردد از حج خود پاک و پاکیزه مثل روزیکه زائیده بود او را مادر او و نیز فرموده که حج پاک و پاکیزه را نیست جزا مگر بهشت **فضیلت** باید دانست که هیچ عملی در اسلام بهتر و فاضلتر از ذکر حق سبحانه جل شانه و یاد کردن او سبحانه نیست فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا درشان آن و قست و قرآن مجید و فرقان حمید مملو

[illegible]

وشهرتست از فضائل ذکر ومناقب فکر واحادیث وارده درینباب اکثر وبیشتر از اینست
که در احاطهٔ ضبط وشمار درآید چنانچه فرموده علیه الصلوة والسلام که سبقت کردند
وپیشروی نمودند در راه آخرت کسانیکه بسیار یاد میکنند الله را ودیگر فرموده که
بهترین اعمال نزدیک الله تعالی وبلند کننده ترین درجات شما را وآسان ترین
جملهٔ طاعات یاد کردن الله سبحانه وتعالی است وفرمود اگر همیشه باشید شما در ذکر
حضرت حقتعالی مصافحه کنند با شما ملائکه او سبحانه تعالی وفرمود که بهترین اعمال اینست
که بمیرد آدمی وزبان وی تر وتازه باشد بذکر الله تعالی وفرمود که نیست هیچ چیز
نجات دهنده تر زیاده از ذکر الله سبحانه وتعالی حتی که جهاد فی سبیل الله نیز بآن
پایهٔ رفیع ومرتبهٔ منیع نمیرسد **فضیلت** باید دانست که هرچند یاد کردن الله
تعالی بهر وضع وبهر طوریکه باشد نیکو وبهتر است از جملهٔ طاعات وعبادات خواه
بدل باشد خواه بزبان خواه بجوارح باشد خواه بجنان اما آنچه اولیاء الله تعالی و
پیشوایان طریقت ومقتدایان حقیقت وضع کرده اند وقرار داده اند بهترین وافضل
وافضلترین اطوار است که فرموده اند کمال آدمیت وشرف انسانیت موقوف بسه چیز
است اول تزکیهٔ ظاهر دوم تصفیهٔ باطن سوم تخلیهٔ قلب **تزکیهٔ ظاهر** عبارت ازانست
که ظاهر خود را بجمیع احکام ظاهر شریعت متصف سازند ویکسر مو از دایرهٔ شریعت
که بنا واساس طریقت است برنتابند چه فعل مامورات وچه ترک منهیات
ودرینباب کتب فقه وحدیث وافی وکافیست فی الجمله درین رساله هم ذکر آن
گذشت **تصفیهٔ باطن** عبارت ازانست که از باطن خود جمیع اوصاف رذیله
مثل بخل وبغض وحسد وکبر وریا وحب دنیا ودوستی جاه وفخر وعجب

وغیر ذلک که در معنی هر یک از ان سم قاتل است پاک سازند و سرمایه نجات ابدی و
حیات سرمدی حاصل نمایند و بجمیع صفات جمیله چنانچه صبر و توکل و رضا بقضا و قناعت
و تحلم [?] و علم و غیر ذلک که هر واحد از ان مثمر ثمرات کمال اند باطن خویش را متصف
گردانند و در کتب آداب و سلوک به تبیل [?] بسط ذکر میشود و حاجت بایراد آن
مفصل درین رساله نیفتاده مگر بطریق اختصار که در باب چهارم مذکور خواهد شد و
تجلیه قلب عبارت از انست که توجه روح خود و خلاصه دل خویش بطرف
حق سبحانه و تعالی آورند و چنانکه شائست و بائست هیچ مهر و محبت و مودت
هیچ چیز در دل او باقی نماند و همیشه علی الدوام یاد حضرت حق و دوستی آن ذات
مطلق صفتی لازم دل گردد که هر چند تامل صادق کنند مقصود اصلی خود غیر آن ذات
نیابند و تکمیل طریقه طریقه اول چنان فرموده اند که چشم بر بندند و زبان بر کام
بچسپند و حیات خود را دم و انفاس شمارند و بدل خود کلمه نفی و اثبات که عبارت از
لا اله الا الله است و افضل الذکر قرار داده بگویند و معنیش را تصور نمایند
بطریقی که بوقت لا اله ذات خود و جمیع ماسوی الله را بحکم عدم پندارند و در وقت الا الله
ذات مجرد بی کیف حضرت باریتعالی را اثبات کنند و تصور نمایند اما بصفت تعظیم و محبت
بر جمیع ماعدا [illegible] باشد و همیشه برین ذکر مداومت کنند تا که حضور ذات بی کیف او بغیر تکلف لازمی
و دائمی گردد آنگاه بران یاد داشت محافظت کنند طریقه دیگر آنست که اسم ذات
که عبارت از کلمه الله باشد با دل خود بگویند و ضرب سازند که اثر گرمی آن در
دل پیدا گردد و در هر بار و هر مرتبه تصور کنند که هیچ کس غیر الله تعالی
مقصود و محبوب و مطلوب و معبود نیست تا آنکه دل خود را از محبت ماسوی الله

خالی بیند و وجود ات عالم و عالمیان را معدوم داند و ذکر و مذکور یکی گردد و ذکر
هستی خود را فانی در هستی مذکور پندارد و چون چنان گردد باید که علی الدوام
محافظت این نسبت علیا بکوشند وَجَدِّدُوا اِیْمَانَکُمْ بِقَوْلِ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
اشارتیست بدان وَقُلِ اللّٰهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ کنایتی است ازان کَمَا قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰی
وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِيْ نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَّخِيْفَةً وَّدُوْنَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ
وَالْاٰصَالِ وَلَا تَكُنْ مِّنَ الْغَافِلِيْنَ یعنی یاد کنید الله تعالی را همیشه بدل خود و
نباشید از غافلان حاصل آنست که الله تعالی با جمیع بندگان خود اَقْرَبُ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ
است حجاب دوری محض از غفلت ماست هرگاه این غفلت برطرف گردد و خلاصه عبادت
وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِيَعْبُدُوْنِ درشان آن واقعست حاصل
آید چه سلوک که در وسع آدمیست تا اینجاست بعد ازان فضل الهی بسبب تو دادو
و ارادت اولی فایض میگردد اَلسَّعْيُ مِنِّيْ وَالْاِتْمَامُ مِنَ اللّٰهِ تَعَالٰی و در مبادی سلوک
اسم ذات را دوازده هزار و نفی و اثبات را یکهزار و یکبار همیشه مواظبت داشتن
ثمرات عجیبه و غریبه والله اعلم بالصواب **فضیلت** هر کلمه و هر دعا که مشتمل ذکر
الله باشد همه موجب اجر و باعث ثواب میگردد اما اولی و انسب آنست که از
اذکار و ادعیه آنچه در کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم فضیلت
آن منصوص ست اختیار باید کرد چنانچه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَاللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ که درشان هر واحد
ازین فضل و ثواب احادیث صحیح ثابت شده که در غیر آن نیست چنانچه سرور بنی آدم و افضل
جمیع عالم محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم میفرماید هر که بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ و بمیرد بر یقین

اعتقاد داخل گردد در بہشت ہر چند کہ در میان گناہان کبائر مثل دزدی و
زنا کہ عظیم ذنوبست مرتکب باشد و فرمود کہ بہترین ذکر لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ است و فرمود
کہ گواہی دادن لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ کلید درہای بہشت است و فرمود کہ بموسیٰ علیہ السلام الله تعالی
خطاب کرد کہ یا موسیٰ اگر ہفت آسمان و ہفت زمین نہادہ شود در یک پلۂ ترازو و کلمۂ لَا
إِلٰهَ إِلَّا اللهُ در پلۂ دیگر ہر آئینہ گران آید پلہ کہ دران کلمۂ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ است و
فرمود کہ الله تعالی عذاب نمیکند از بندگان خود مگر گردنکش سخت را کہ انکار نماید از گفتن
لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ و فرمود کہ بہترین کلمات چہار اند سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
وَاللهُ أَكْبَرُ و فرمود کہ سبحان الله پر میکند نصف میزان را و الحمد لله پر میسازد تمام آنرا و لا إله
إلا الله میرسد نزدیک الله تعالی بغیر حجابے و فرمود کہ ہر کہ بگوید ہر صبح سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ دور شوند گناہانش مثل درختی کہ میریزند برگہای آن
و فرمود کہ ہر کہ بگوید ہر صبح و شام سُبْحَانَ اللهِ صد بار گویا کہ صد حج گذاردہ باشد و کسیکہ بگوید
ہر صبح و شام اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ صد بار گویا کہ سوار کردہ باشد غازیان را در راہ خدا تعالی بر صد اسپ
و ہر کہ بگوید ہر صبح و شام صد بار لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ گویا کہ صد بردہ از اولاد حضرت اسمٰعیل
علیہ السلام آزاد کردہ باشد و کسیکہ بگوید اَللهُ أَكْبَرُ ہر صبح و شام صد بار گویا کہ نیاید ہیچکس در آن
روز با عملی کہ بہتر باشد از ان و فرمود کہ دو کلمہ سبک اند بر زبان و سنگین و گران اند
در میزان و مقبول و محبوب تر اند نزد رحمٰن آن سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهٖ سُبْحَانَ اللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ
است و فرمود کہ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ زیر عرش است از خزانۂ بہشت
و فرمود کہ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ دوا است از نود و نہ مرض کہ آسان
ترین آن غم باشد **فضیلت** فرمود سرور عالم و افضل بنی آدم

۲۵

که الله تعالی را نود و نه نام اند هر که همیشه خواند و ورد گیرد آنرا داخل کنند در بهشت هُوَ الله
الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ الْغَفَّارُ الْقَهَّارُ الْوَهَّابُ
الرَّزَّاقُ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ الْخَافِضُ الرَّافِعُ الْمُعِزُّ الْمُذِلُّ السَّمِيعُ
الْبَصِيرُ الْحَكَمُ الْعَدْلُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ الْحَلِيمُ الْعَظِيمُ الْغَفُورُ الشَّكُورُ الْعَلِيُّ
الْكَبِيرُ الْحَفِيظُ الْمُقِيتُ الْحَسِيبُ الْجَلِيلُ الْكَرِيمُ الرَّقِيبُ الْمُجِيبُ الْوَاسِعُ
الْحَكِيمُ الْوَدُودُ الْمَجِيدُ الْبَاعِثُ الشَّهِيدُ الْحَقُّ الْوَكِيلُ الْقَوِيُّ الْمَتِينُ الْوَلِيُّ
الْحَمِيدُ الْمُحْصِي الْمُبْدِئُ الْمُعِيدُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الْوَاجِدُ الْمَاجِدُ
الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الصَّمَدُ الْقَادِرُ الْمُقْتَدِرُ الْمُقَدِّمُ الْمُؤَخِّرُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ
الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الْوَالِي الْمُتَعَالِي الْبَرُّ التَّوَّابُ الْمُنْتَقِمُ الْعَفُوُّ الرَّؤُوفُ مَالِكُ
الْمُلْكِ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ الرَّبُّ الْمُقْسِطُ الْجَامِعُ الْغَنِيُّ الْمُغْنِي الْمُعْطِي
الْمَانِعُ الضَّارُّ النَّافِعُ النُّورُ الْهَادِي الْبَدِيعُ الْبَاقِي الْوَارِثُ الرَّشِيدُ
الصَّبُورُ باید دانست که الله سبحانه میفرماید قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ
أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى بگواهی محمد صلی الله علیه وسلم بخوانید
رحمن را بهر اسمی که ازین اسمها دعا کنند پس خدا را است نامهای نیکو و جمیع اهل
تفسیر و اهل دعوت اتفاق دارند برانکه هر اسمی که ازین اسما بسیار ذکر کرده شود آثار
آن قاری یا در کسی که نیت آن بخوانند ظهور میکند مثلاً اگر بنیت مهم عزت و جاه اسم
مَلِكٌ و عَزِيزٌ و مُعِزٌّ و مُتَكَبِّرٌ و رَافِعٌ و عَلِيٌّ و عَظِيمٌ و كَبِيرٌ و مُتَعَالِي و نحو و بمعنی است
بسیار ذکر کند صاحب عزت و شوکت گردد و اگر خَافِضٌ و مُذِلٌّ و قَهَّارٌ و قَابِضٌ و مثال آن

بنیت قهر اعدا بخواند اعدایش مقهور و خوار گردند و اگر بنیت فراخی رزق و کشایش
روزی وَاسِعُ وَبَاسِطُ وَغَنِیُّ وَمُغْنِیْ وَرَزَّاقُ وَوَهَّابُ و امثال آن
بسیار خواند در مال و رزق آن وسعت زیاده می نماید و بهمین قاعده بهر مطلب
خود اسمیکه موافق آن باشد بسیار خواندن موجب حصول آن مقصود است و بعضی
کسان برای هر اسمی عددی بحساب ابجد و شرائطی و ساعاتی مقرر کرده اند و باعث
سرعت مطلوب میشمارند بهر حال عمده درین باب کثرة آن اسم است به نیت حصول مقصود
والله تعالی اعلم بالصواب **فضیلت** تلاوت قرآن و قرأت آن نیکترین
انواع عبادت است که رسول صلعم فرموده است هر که یکحرف از قرآن مجید بخواند
ثواب آن یک حسنه بیابد و ثواب آن حسنه را ده چند کرده دهند و نپندارند که الم
تمام یکحرف است بلکه الف یکحرف است و لام یکحرف است و میم یک حرف است
و فرموده که بخوانید قران را که روز قیامت شفاعت خواهد کرد اصحاب و قاریان خود را
و فرمود که روز قیامت خواننده قرآن را بگویند که قرآن را بترتیل بخوان و در درجات
بهشت ترقی کن مکان تو آنجاست که تمام کنی قراءة آنرا و فرمود که خواندن قرآن
بهتر است از تکبیر و تسبیح و صوم و صدقه پس لازم است بر هر مسلمان است که هر روز قدری
بترتیل و تجوید بخواند و ورد خود گیرد که فضیلت آن در احادیث صحاح بسیار وارد شده
اگر مطلع باشد و بفهمد معانی آن پس بهتر است و الا در وقت تلاوت این قدر
داند که کلام خداست و آنچه دران از امر و نهی و قصص ذکر کرده است راست و
درست است ایمان آوردم بدان **فضیلت** باید دانست که هر چند تمام
قرآن و هر آیت ازان فاضلتر و بهتر است از جمیع ادعیه و عبادات لیکن در حق

۲۷

بعضی از سور و آیات فضیلتی واقع شده است که در غیر آن نیست چنانچه فرموده رسول علیه
السلام که سوره فاتحه شفاست از هر مرضی که باشد و هر چیز را دل و خلاصه است و
خلاصه تمام قرآن شریف سوره یٰس است هر که یکبار بخواند ثواب تلاوت ده قرآن
بیابد هر که بخواند آنرا البته دور شوند گناهان پیشین وی و بخوانید آنرا نزد مردهگان
خود و سوره الملک شفاعت میکند مر خواننده خود را و مانع میشود از عذاب قبر او را
و هر که بخواند هر شب سوره واقعه را گرفتار فقر و فاقه نگردد و سوره اخلاص برابر
میشود در ثواب سوم حصه قرآن مجید را و اذا زلزلت الارض نصف آنرا و قل یا
ایها الکافرون ربع آنرا و فرمود که بزرگترین آیات در قرآن شریف آیة الکرسی
(بنابر اشتمال آن بر توحید و صفات الله تعالی ۱۲)
است و آیت آمن الرسول تا آخر سوره بقره خزانه ایست از رحمت پروردگار
تعالی و فرمود که قل هو الله احد و معوذتین صبح و شام خواندن محفوظ دارد
از جمیع بلیات و آیة الکرسی در امن دارد از جمیع موذیات فضیلت هر چند که هر
آیت قرآن مجید کافی و وافیست برای هر مطلبی که خواند که در شان آن خذ من القرآن
ما شئت لما شئت واقع است اما تمام خواندن قرآن در هفت روز برین
ترتیب اسرع در اجابت است روز جمعه از فاتحه تا آخر مائده و روز شنبه از انعام
تا آخر توبه و روز یکشنبه از یونس تا آخر مریم و روز دوشنبه از طه تا آخر قصص
و روز سه شنبه از عنکبوت تا آخر صاد و روز چهارشنبه
از زمر تا آخر رحمن و روز پنجشنبه از واقعه تا آخر قرآن چون ختم
کند سجده نماید و از حضرت حق تعالی مطلب خود خواهد و از سور و آیات
هر چه و بعضی موافق مطلب خواهد بیابد و از مشایخ عمل آن نیز ثبوت

یافته بود و اختیار آن اولی و انسب است چنانچه ختم سوره فاتحه و سوره یس و سوره
اخلاص که برای هر مطلب کافیست و آنچه در باب حصول مطلب خواه جلالی باشد خواه
جمالی در حکم کبریت احمر است و اسم اعظم شمرده اند آیت کریمه لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من الظالمین که رسول علیه السلام فرموده که این دعاء ذوالنون علیه
السلام است که در شکم ماهی دعا کرده بود دعا نمیکند باین آیت هیچکس از مسلمانان
در امری که باشد مگر که قبول میشود دعا و فی الحق که این دعوتی است بغایت
مجرب التاثیر و بنهایت سریع الاثر است در هر باب و هر که خواهد بدین آیه
کریمه دعا کند و مشایخ بر سرعت تاثیر و عدم تخلف آن اجماع و اتفاق دارند
و طریق آن بانواع متعدده ذکر کرده اند آسان ترین انواع آنست که تا دوازده
روز به نیت حصول مقصود دوازده هزار بار بخواند و اگر تواند یکهزار و دوصد بار بخواند
اول و آخر چند بار درود لازم گیرد و طریق دیگر آنست که تا به یک لک بست و
پنجهزار بار بخواند بهر حال موثر و تاثیر آن شک و ریب نیست که هیچ عملی که شود
آن هم بتاثیر آن [illegible] باقوال مشایخ باشد غیر ازین یافته نمیشود که در شان
آن فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المومنین منصوص است
فضیلت بدانکه استغفار کردن آمرزش خواستن از حق سبحانه و تعالی بهترین اعمال
است و در قرآن مجید و فرقان حمید و استغفر الله و استغفر لهم زیاده
از حد وعید وارد شده رسول خدا صلعم فرموده خوشی و خوبی کسی راست که یافته
شود در نامه اعمال او استغفار بسیار و استغفار کننده از گناه از خود پاک شود گویا
هیچ نکرده است و فرموده که توبه کنید و استغفار نمائید که هر آئینه من توبه میکنم

در هر روزی صد مرتبه و فرمود که هرگاه بنده اقرار میکند بگناه خود و رجوع مینماید بایزد
تعالی بآمرزش ذنوب خویش ببخشاید الله تعالی بروی و فرمود که هر که مداومت
نماید بر استغفار هر تنگی دین و دنیا را حق تعالی بروی آسان گرداند و بغیر گمان روزی
رساند و فرمود که سید الاستغفار و بزرگترین همه اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّیْ لَا اِلٰهَ
اِلَّا اَنْتَ خَلَقْتَنِیْ وَاَنَا عَبْدُکَ وَاَنَا عَلٰی عَهْدِکَ وَوَعْدِکَ مَا اسْتَطَعْتُ
اَعُوْذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا صَنَعْتُ اَبُوْءُ لَکَ بِنِعْمَتِکَ عَلَیَّ وَاَبُوْءُ بِذَنْبِیْ
فَاغْفِرْ لِیْ فَاِنَّهٗ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اَنْتَ هر که در روز گوید و بمیرد بهشتی
گردد و هر که در شب گوید و بمیرد نیز بهشتی گردد و فرمود هر که در مجلسی نشیند و لهو بسیار
از وی سرزده شود پس بگوید در آخر مجلس خویش سُبْحَانَکَ اللّٰهُمَّ وَبِحَمْدِکَ
اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَسْتَغْفِرُکَ وَاَتُوْبُ اِلَیْکَ
بخشیده شوند گناهان وی که دران مجلس واقع شده باشد پس لازم است بر هر مسلمان
که همیشه استغفار بر خود لازم گیرد که رسول علیه السلام با وجودیکه بخشیده بود جمیع گناهان او
هر روز صد بار توبه و استغفار میکردند **فضیلت** درود فرستادن بر محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم بزرگترین طاعات است که صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا
حضرت حق تعالی میفرماید و علیه الصلوة والسلام فرمود هر که یکبار بر من درود فرستد
رحمت فرستد بروی الله تعالی ده بار و بلند گردانیده شود او را ده درجه و دور نموده
شود از نامهٔ اعمال او ده بدی و نزدیکترین مردمان از من روز قیامت کسی خواهد بود
که درود بر من بسیار فرستاده باشد و احق بشفاعت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم
کسیست در روز قیامت که درود بسیار فرستاده است بروی **فضیلت** قاعده کلیه

در باب طاعات و عبادات آنست که هر عملی و فعلی که دران یکی ازین صفات باشد موجب
ثواب و باعث اجر میگردد سبب باشد مر ذکر الله تعالی را و دوستی و تعظیم انبیا و حکام
وی را و مذکر بود باحوال عاقبت و امور آخرت و باعث بود بر نفع خلق الله و رفع ایذا
از ایشان و دور کننده باشد از اوصاف رذیله مثل بغض و حسد و کبر و ریا و طمع و
حب دنیا و غفلت از عقبی و غیبت و کذب و نمیمه و فحش و لغو و نزدیک گرداننده بود
بصفات جمیله چنانچه صبر و توکل و رضا و تسلیم و ذکر و فکر و قناعت و امثال ذلک هر فعلی
و هر عملی که دران یکی ازین امور یافته شود موجب اجر آخرت میگردد اما بشرطیکه
بوجهی از وجوه منع شرعی دران وارد نشده باشد و مقرون بود به نیت صحیح که هیچ
عملی بدون نیت قلب مقبول نمیشود که حدیث إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ
نص قطعی است

باب چهارم در بعضی مصالح و حکم ضروریه

باید دانست که آدمی را مادامی که در قید حیاتست از ضروریات بشریه مثل خوردن
و آشامیدن و ستر پوشیدن و نکاح کردن و مکان جستن ناچاریست و هر یکی را ازین امور
افراطیست و تفریطی افراط آن ازنهایت و نه تفریط آن ازغایت پس لازم آنکه در جمله امور
خود توسط اختیار نماید که خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا واقع شده و میانگی و میانه روی
هر چند موافق مراتب اشخاص است و بساچیز است که در حق یکی افراط است و در حق دیگری
اعتدال بلکه تفریط پس احوال و اطوار بنی جنس بنی قوم و بنی کسب بنی حرفتی را بقیاس
مقدار توسط شمارند و در طلب کسب زائد خود را در تعب و محنت نیفگنند و این اصلی است
شامل بر جزئیات متعدده ضروریه کثیره که ضبط آن موجب اطالت رساله میگردد
نصیحت هر عملی و هر فنی که خواهند کسب کنند و بیاموزند اول ضروریات

بدانند که آخر گذشتنی و گذاشتنی است از بهر دنیا با کسی عداوت و دشمنی نگیرند و کسی را
عیب نکنند و بد نگویند خصوصاً عیوب یکفرقه خاص را علانیه ذکر نکنند و تا توانند
بر کسی حسد نبرند و دروغ بیفایده بر زبان نیاورند و سخن بد کسی بکسی نرسانند و خود
از بخل و حقد تا توانند پاک گردانند و بر آنچه رضای الله تعالی است راضی باشند و خود
از بزرگترین و کلان نشمارند و فخر و نخوت را در دل راه ندهند و تا توانند در صلاح عالم بکوشند
و در میان هیچکس نقض و فساد نیندازند و در اکل حلال و صدق مقال و استقامت احوال
سعی کلی نمایند که سبب جمیع طاعات و رئیس جمله عبادات است و از کلمة الخیر در حق خویش و بیگانه
باز نمانند و براه معروف و نهی منکر سعی بلیغ بکار برند و اگر نتوانند بدل ناخوش دارند و
خود مرتکب آن نشوند نصیحت عقل و کیاست و فهم و فراست هر چند امر جبلی است اما
بکثرت تجربه و صحبت عقلا و کسب علوم عقلیه و استماع قصص و نصایح می افزاید پس باید
که چنان کوشند که هر روز قوای عقلیه خود را قوی می کرده باشند و خود را بتکلیف از
عقلا گردانند و در زمره سفها نگذارند نصیحت می باید که در جمیع اوضاع و اطوار پیرو
شرفا و صلحا و خوبان باشند و از صحبت و اوضاع اجلاف گریزان باشند نصیحت باید که در
هر امری از امور دنیا استعجال ننمایند و بغیر مشورت و تدبیر کاری نکنند نصیحت خود را معطل
و مهمل نگذارند کار عقبی بسازند و اگر بتوانند کار دنیا از دست ندهند نصیحت بوقت صبح
از خواب بیدار شوند و نماز گذارند و بر مصلای خود تا وقت طلوع آفتاب نشسته باشند و تسبیح و
تهلیل و تکبیر بگویند و استغفار کنند و تلاوت قرآن شریف نمایند و آیات و ادعیه حفظ جان
و مال خود خوانده حرز کنند و نیکوترین آیات درین امر سبع آیات است و اگر نتوانند
بر سوره فاتحه و آیة الکرسی و چهار قل اکتفا نمایند

٣٣

و ورد او عید بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا
فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ سه بار خواندن بهترین چیزیست که حدیث
صحیح در فضل آن واقع است چون شام شود اطفال را بخانه در آرند و در صحن
برآمدن ندهند چون شب در آید دروازه خانه را مقفل با سلسل گردانند و آبها و او
عیه را بپوشانند و چراغ بکشند و آتش سرد سازند و ظروف بپوشند و سلاح و عصا نزد خود
دارند و اگر توانند در موضع خوف مردان را به نگاهبانی برگمارند و خود در جای محفوظ باشند
و بغفلت تمام نخوابند نصیحت چون وقوع محنت و بلا پیش آید هر حیله که دانند کنند
و اگر توانند آسان ترین آنرا اختیار نمایند مَنِ ابْتُلِيَ بِبَلِيَّتَيْنِ فَلْيَخْتَرْ أَهْوَنَهُمَا
نصیحت ایام حیات در صحت خود را غنیمت شمارند بغیر ضرورت تمام در حیله
اگر مریض شوند پیش طبیب حاذق بروند و اختیار در دست او دهند و در تدبیر و دوا
مخالفت ننمایند ولی بظهور خطای فاحش طبیب دیگر طلبند نصیحت بغیر ضرورت کلی
در سفر نروند چون مسافر شوند بروز و ساعت نیک بر آیند و راه محفوظ مقرر کنند و در جمع قافله
و بدرقه و سلاح جنگ سعی کلی کنند و بر امن راه اعتماد ننمایند و اسباب ضروریه را چون
کارد و مقراض و بیل و کلند و تبر و سوزن و رشته و امثال ذالک همراه خود دارند چون
قافله و بدرقه کوچ نماید خود در میان باشند و چون در منزل فرود آیند همراه او بوند
هیچگونه جدا و تنها نگردند و بوقت شب در سفر احتیاط زیاده از حضر نمایند اگر توانند بعضی
ادویه ضروریه که اکثر بدان احتیاج افتد همراه دارند و سرمایه خود چنان باز نکنند که از
احتمال آن تنگ آیند و توشه خود را محافظت نمایند و اگر توانند زیاده از ایام سفر
بردارند شاید که سفر دراز گردد یا در منازل اتفاق اقامت افتد نصیحت

هر امری که پیش آید تا آل آن را مطالعه کنند و ضروریات آن را بتفصیل تصور نمایند و پیش
احتیاج آماده گردانند نصیحت در صناعت و حرفت آنچه نیکوتر و ضروری‌تر و بهتر باشد
اختیار نمایند اگرچه محتاج نباشند و آموختن کسبی نیک و حرفتی پاک عار نکنند نصیحت
سعی بلیغ و کوشش کلی بران دارند که بر فنون و علوم ضروریه مطلع گردند و بر هر امر
که وقوع آن بیشتر گردد تجربه و اطلاع بهم رسانند نصیحت علوم مجلس مثل خط و انشا
و شعر و قصص و لطائف غریبه و صناعات عجیبه و صفائی تقریر و قدرت تحریر و علم حساب
خوب بیاموزند نصیحت رعایت آداب گفت و شنفت و نشست و برخاست
هر جا و هر مکان ضروری و لازم است خصوصاً در مجالس عامه که در مرعی داشتن آن
جهد بلیغ نمایند و محافظت تمام کنند که هیچ یک سخن بیجا و حرکت لغو سرزد نشود
و در هیچ امری مخالفت اهل مجلس روا ندارند و رعایت مرضی رئیس آن را از اهم
ضروریات شمارند و اگر خود سالار مجلس باشند باحوال هر کس موافق قدر او در تعظیم
و تکریم رعایت کنند و بر ملا حرفی نگویند و فعلی نسازند که بر هیچ کس از رئیس و خسیس
گران افتد نصیحت در شادی و غم و غصه چنان فعلی نکنند که بار دیگر ندامت
آن کشند و در وقت غضب عنان خود بگیرند چنان حرف سخت نگویند که اگر باهم موافقت
شود خجلت از آن کشند نصیحت لعن و فحش هرگز عادت خود نگیرند و اگر بامری قبیح
شرعی یا عرفی عادت شود بتکلیف ترک آن نمایند نصیحت عمده صفات محموده حلم و علم
و سخاوت شجاعت و عفت و عفو و حسن خلق و حیاست می‌باید که در تحصیل و اکمال
اینها کوشند اگر موصوف نباشند بتکلف متصف شوند که سعی و کسب را در هر امری دخلی عظیم
است اگر مجهول نباشند از مدارات و مروت آن گونه که امر جبلی میگردد نصیحت

٣٥

بازنده نشود ۱۲

خلقت ایشان ... ازین صفات نباشد ۱۲

صحبت علما و اتقیا را از دست ندهند و غنیمت شمارند که اکسیر اعظم و کبریت احمر است
هر کس که همنشین خود پیدا میکند نصیحت عیادت مریض و تعزیت مصاب
از خصال حمیده و محاسن اخلاق است و موجب اجر و باعث ثواب نصیحت بعد هر
راحت و نعمت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ گویند و پس محنت و مصیبت اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ
رَاجِعُوْنَ خوانند و پس از ان گویند اَللّٰهُمَّ اٰجِرْنِیْ فِیْ مُصِیْبَتِیْ وَاخْلُفْنِیْ خَیْرًا
مِّنْهَا نصیحت آداب هر شی فعلی چنانچه اکل و شرب و قیام و قعود و وصل و فصل و
ذلک آنچه در کتب وارد و مرقوم است همه بجا آرند نصیحت در غنای وافر و فقر مفرط
تا توانند از اخلاق قدیم خود بر نگردند و بسبب دولت خود چندان ننازند و از غربت و فقر
خویش چندان ننالند که گردون گردانست و دهان جهان بیت ز رنج و راحت
گیتی مرنجان دل مشو خرم که آئین جهان گاهی چنین گاهی چنان باشد نصیحت
ایام حیات خود غنیمت دانسته اَلدُّنْیَا مَزْرَعَةُ الْاٰخِرَةِ شمارند و دل بر اعمال
نیک گمارند چون قریب بمرگ رسند بکثرت استغفار و تهلیل اشتغال خود نمایند و اهل
و عیال خویش را وصیت کار خیر و صبر و استقامت کنند و اگر فضل باریتعالی یاری
دهد جان خود را بکلمه لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ سپارند خاتمه اما بعد میگوید بنده درگاه
کریم محمد ابل الدین بن شاه عبد الرحیم که باعث بر تصنیف این رساله و تالیف این مقال
آن شد که طلب علم بر هر مسلمان فرض است و هم از تحصیل آن نهایت قاصر
اند بنا بر آن مناسب چنان نمود که ضروریات عقائد و فقه و فضائل اعمال
و نصائح و حکم علی سبیل الایجاز و الاختصار در اوراق چند مرقوم گردد تا هر که
خواند در عرصه قلیله و ایامی معدوده بتحصیل آن فائز شود و چون بعون الله

تعالی این مقدمه در ابواب اربعه صورت ارقام تمام گرفت و پیرایهٔ [illegible]
نام آن چهار باب تعیین یافت ۞ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَوَّلًا
وَّآخِرًا وَّظَاهِرًا وَّبَاطِنًا

تمّت

تمام شد انطباع نسخهٔ متبرکه چهار باب تالیف فردوس آرامگاه حضرت
مولانا شاه اہل الله برادر شاه ولی الله محدث دہلوی مطابق نسخه
که در بیت السلطنت لکهنو در مطبع مصطفائی طبع گردیده
مطبوع هر خاص و عام شد

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عَنْ اَبِیْ هُرَیْرَةَ رَضِیَ اللهُ تَعَالٰی عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صَلَّی اللهُ
عَلَیْهِ وَسَلَّمَ اِنَّ لِلّٰهِ تَعَالٰی تِسْعَةً وَّتِسْعِیْنَ اِسْمًا مَنْ اَحْصَاهَا دَخَلَ الْجَنَّةَ
در صحیح بخاری و مسلم از ابی هریره رضی الله تعالی عنه مروی است که فرمود رسول خدا
صلعم بدرستیکه خدا تعالی را است نود و نه نام که هرکه احصا کند آنرا داخل بهشت
خواهد شد بعضی گفته اند که احصا عبارتست از مناجات باین نود و نه اسما حسنی او نزد بعضی
حفظ نمودن این اسما مراد است چنانچه در روایت دیگر مَنْ حَفِظَهَا آمده یعنی هرکه
حفظ کند آنها را و حافظ ابو عیسی ترمذی تفصیل آن اسما را هم روایت نموده چنانچه بیان
میشود هُوَ الَّذِیْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اوست خدا آنچنانکه نیست مستحق عبادت مگر او الرَّحْمٰنُ
بسیار بخشنده الرَّحِیْمُ نهایت مهربان الْمَلِکُ متصرف در ملک ظاهر و باطن

[illegible] پاک منزه از همه عیبها و نقائص السلام سالم از هر عیب و آفت
المؤمن امان دهنده مومنان از عذاب یا بمعنی خالق ایمان المهیمن نگاه
کننده و نگهبانی هر چیز العزیز غالب بی همتا الجبار صاحب کبریا و جبروت یا جبر و
قهر کننده خلق بهر چه خواهد المتکبر صاحب کبریا و عظمت الخالق هست کننده چیزها البارئ
آفریننده چیزها بی نمونه یا آفریننده جانداران المصور صورت نگار خلق الغفار بسیار
آمرزنده القهار غالب بر هر چیز الوهاب بی عوض بسیار بخشنده الرزاق روزی
دهنده مخلوقات الفتاح نیک کشاینده ابواب رزق و رحمت یا حاکم درمیان عباد
العلیم نیک دانا بهمه چیز القابض تنگ کننده روزی بحکمت و مصلحت الباسط
کشاده سازنده روزی بجود و رحمت الخافض پست گرداننده متکبران الرافع
بلند گرداننده مومنان المعز عزت دهنده المذل ذلت دهنده السمیع نیک شنوا
البصیر نیک بینا الحکم نیک حکم کننده العدل داد گر که بهوای نفسانی جور
نمی کند اللطیف باریک بین یا رساننده مرادهای بندگان بنرمی و رفق
الخبیر با خبر از گذشته و آینده الحلیم بردبار که در عقوبت عاصیان تعجیل نمیکند
العظیم بزرگوار مطلق الغفور بسیار آمرزنده الشکور قدردان شاکران
یا اندک پذیر و بسیار دهنده العلی برتر از همه که همه کس مرتبه از وی کمتر اند الکبیر
فائق بر همه چیز الحفیظ نگهدارنده خلق از مکروهات المقیت توانا بر روزی دهنده
الحسیب کفایت کننده مهمات یا حساب گیرنده از بندگان در روز قیامت
الجلیل بزرگوار مطلق و بی نیاز الکریم بزرگوار یا صاحب کرم الرقیب نگهبانی
که چیزی از حفاظت او غایب نباشد المجیب قبول کننده دعای بندگان

۳۸

اَلْوَاسِعُ فراخ است عطا و رحمت و علم او اَلْحَکِیْمُ استوار کار

بندگان اَلْمَجِیْدُ صاحب بزرگی و شرف اَلْبَاعِثُ فرستندهٔ رسولان زنده

کننده مردگان اَلشَّهِیْدُ حاضری که غائب نگردد اَلْحَقُّ متحقق الوجود یا سزاوار

خداوندی اَلْوَکِیْلُ آنکه کار خود با وی باید سپرد اَلْقَوِیُّ توانائی که عجز را باو راه نیست

اَلْمَتِیْنُ استوار که بهیچ کار بر وی مشقت نرسد اَلْوَلِیُّ یاری دهنده یا متولی کارهای بندگان

اَلْحَمِیْدُ ستوده شده که سزاوار تمامی ثناهاست زیرا که او بجمیع کمالات موصوف است اَلْمُحْصِیْ

ضبط کننده هر چیز چه خرد باشد یا کلان اَلْمُبْدِئُ پیدا کننده چیزها از عدم اَلْمُعِیْدُ باز گردانندهٔ

خلق بسوی موت بعد حیات و بسوی حیات بعد موت اَلْمُحْیِیْ زنده کننده اَلْمُمِیْتُ میرانندهٔ اَلْحَیُّ

زنده دائمی اَلْقَیُّوْمُ قیام نماینده بتدبیر و حفظ خلق اَلْوَاجِدُ توانگر که محتاج نگردد

اَلْمَاجِدُ بزرگوار مطلق اَلْوَاحِدُ تنها بخدائی که نظیر وی محالست اَلْاَحَدُ

یکتا که یار و مددگار ندارد و فرق وی احدیست شمار از و معزول و صمدیست نیاز از و

مخذول آن احدی که حس شناسد و هم آن صمدی که عقل داند و فهم اَلصَّمَدُ

بی نیازی که قبلهٔ حاجات است اَلْقَادِرُ توانا بر هر چیز اَلْمُقْتَدِرُ توانا که عجز باو

راه نیابد اَلْمُقَدِّمُ پیش کننده هر که خواهد اَلْمُؤَخِّرُ پس کننده هر که خواهد بمقتضای

حکمت اَلْاَوَّلُ پیش از همه موجودات وجود اَلْاٰخِرُ باقی مانده بعد فنای خلق اَلظَّاهِرُ

آشکار اَلْبَاطِنُ پنهان از چشم خلق یا آنکه حواس و عقول از ادراک کنه حقیقت وی

عاجز اند اَلْوَالِیْ مالک چیزها و تصرف کننده در آنها بتدبیر و قدرت اَلْمُتَعَالِیْ

فائق و برتر از موصوف شدن بصفات مخلوقات اَلْبَرُّ بسیار نیکوکار اَلتَّوَّابُ

قبول کنندهٔ توبهٔ تائبان اَلْمُنْتَقِمُ مکافات کنندهٔ عصیان بعذاب

...نده و درگذرنده از گناهگاران اَلرَّؤُفُ سخت بخشنده و
...مَالِكُ الْمُلْكِ خداوند جهان یعنی متصرف در هرچه محل تصرف تواند بود
ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ صاحب استغنای مطلق و انعام عام اَلرَّبُّ پروردگار
خلایق اَلْمُقْسِطُ داد دهنده اَلْجَامِعُ فراهم آرنده پراگنده ها اَلْغَنِيُّ بی نیاز
مطلق اَلْمُغْنِيُّ بی نیاز گرداننده اَلْمُعْطِي عطا بخشنده اَلْمَانِعُ باز دارنده اَلضَّارُّ
ضرر رساننده هر کرا که خواهد اَلنَّافِعُ نفع رساننده اَلنُّوْرُ خود ظاهر و ظاهر کننده دیگران
اَلْهَادِي راه راست نماینده اَلْبَدِيْعُ آفریننده چیزهای بی نمونه اَلْبَاقِي
جاودان ماننده اَلْوَارِثُ ماننده بعد از فنا موجودات اَلرَّشِيْدُ راه نماینده
خلق براست تدبیر اَلصَّبُوْرُ آنکه تعجیل نمیکند در عقوبت عاصیان

فهرست چهار باب